



# انتقام کشی از توده‌ایها، ناتوانی و شکست ج.ا.ا را در جبهه‌های جنگ جبران نمی‌کند!

بقیه از صفحه ۱

انقلاب و میلیون‌ها انسانی که در زیر سرپرست‌های سرپین اختناق ایران بسر می‌برند، نه به دست د ولت‌مدانی مردم دوست، استقلال طلب، خواهان برقراری عدالت اجتماعی و شیفته آزادی، بلکه در ید ضحاکانی است که انتقام کشی از دست‌آران مردم، مدافعان استقلال و تأمین عدالت و پشتیبانان راستین آزادی‌های فردی و اجتماعی تنها آماجی است که پیش‌رو دارند و برای دستیابی به آن، از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کنند. آنان با قتل عام توده‌هایها، جنون ناشی از شکست‌های مذبحخانه خود را تسکین می‌بخشند، با خون توده‌هایها، وضو می‌گیرند و پیر آستان امپریالیسم به نماز می‌ایستند. آنان را قربانی می‌کنند تا جنگ افزارهای مرگ بار بیشتری از امپریالیسم دریافت کنند. محرز و ناتوانی خفت بار خود را در عرصه‌های جنگ، برای دست یافتن به " پیروزی نهائی " در زندان

های این و کیته مشترک و قزل حصار و ... میدان‌های تیر جبران می‌کنند و خشم و زوخی‌شان را از شکست در عملیات " والفجر - ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ " تا بی‌نهایت - با عصاره زندگی توده‌هایها فروشانند!

بیهوده نیست که آغاز عملیات والفجر - ۱ در سال گذشته با یورش بی‌بیمی و گسترده به حزب توده ایران هم زمان می‌شود و امسال نیز " والفجر - ۶ " با تیرباران کردن ۱۰ تن از اعضای حزب توده ایران مصادف شده است.

حاکمان سیاه دل ج.ا.ا، هرگز این " گناه بزرگ " و بزرگ‌ترین " جرم " را بر حزب توده ایران نمی‌بخشایند که به عنوان اولین نیروی سیاسی، پس از فتح خرمشهر، با واقع‌بینی و آینده نگری استوار بر تحلیل مشخص علمی اعلام کرده‌اند که جنگ جز تقویت سیاست‌های تشنج -

فزایانه امپریالیسم و فرسودن توان انقلاب، شمشه د یگری در بر نخواهد داشت. با گفتگو، به جساء گلوله و آتشبار و موشک ... به این " برادر کشی " بی‌سرانجام پایان دهید. واکنش دولت مردان اسیر در پنجه گرایشات عظمت طلبانه، تاج‌زکارانه، عکس‌العکلی بود که تنها امپریالیسم به وجد آورد: یورش به حزب توده ایران - دستگیری، شکنجه و قتل عام توده‌هایها و گلگون کردن کیلومترها زمین بی‌بار و بار خاک عراق از خون جوانانی که در آرزوی سازندگی بودند. ج.ا.ا به کار ویرانی و آوارشان ساخته بود. به زعم حاکمان ج.ا.ا " گناه کبیره " و " جرم نابخشودنی " توده‌هایها، با کون سنگین‌تر شده است. زیرا هر روز توده وسیع‌تری به درستی نظرات و تحلیل‌های حزب پی می‌برد و از شرکت در این بازی مرگ آفرین پرهیز می‌کند. شکست‌های بی‌دری " والفجری " که ضعف فلاکت‌بار سردمداران جنگ طلب ج.ا.ا را به جنون انتقام کشی از متادیان صلح، منتهی ساخته است، به مثابه شاقیل " عدالت " و " داری " آنان عمل می‌کند. بر اساس همین بینش است که آستان شکست " عملیات والفجر - ۶ " را با خون پاک توده‌هایها تطهیر می‌کنند و به آن نام " پیروزی برکتر " و " مبارزه با شرق " می‌نهند. از همین روست که رفیق آذرفر را به جوخه اعدام می‌سپارند - در گنجه‌های او، جوهر دفاعیات توده‌هایها تبلیر یافته است:

" بنده برای تیرنه از خودم دفاع نمی‌کسم. در مورد جنگ، باز سیاستی که حزب از طریق نشریاتش اعمال می‌کرد تا لحظه‌ای که جنگ یک حالت تدافعی داشت، حمایت بی‌چون و چیرا بود. ولی بعد از شکست مفتضحانه قوای صدام در خرمشهر، به این نتیجه رسیده بود که عراق یک کشوری است که با تحریکات کشورهای امپریالیستی، جنگ فرسایشی را بر ایران تحمیل کرده و باید هر چه زودتر این جنگ تمام شود. " ج.ا.ا در این قتل عام و شبیخون به زندگی و جان خرد و تلاش‌ایثار گرانه توده‌هایهای پیکار جو که توشه راه و کار و نبرد بهترین فرزندان این سرزمین است، به عبث سودای اثبات " حقانیت " خود را در سر می‌پروراند. این گونه انتقام کشی‌های سبعمانه، تنها ترجمان زوال نیروهائی است که از آینده، تیرهای که انتظارشان را می‌کشد، پروا ندارند. آرمان‌های والای حزب توده ایران، آندیشه‌های انسان دوستانه و کارنامه پر رنج و خونینی که تاریخ از رهگذر سالیان دیر پای مبارزه برای تأمین خواست‌ها و نیازهای مردم، رهائی از بندگی امپریالیسم و تحقق آزادی‌های فردی و اجتماعی به نام حزب توده ایران نگاشته است، چندان بر نیروی مردم و توان توده‌هایها خواهد افزود که مرگ در پرتوی آن سایه‌ای بی‌رنگ است.

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره اعدام ده تن از افسران میهن پرست و اعضای حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

انگیزه شرکت خود در مبارزه سیاسی اعلام نمودند. این میهن پرستان که به جوخه های اعدام سپرده شدند به شهادت همگان سهم بسیار مؤثری در دفاع از استقلال کشور و عقیم ساختن توطئه‌های ضد انقلاب و عمال محلی امپریالیسم داشتند. آنان مانند دیگر میهن پرستان ایران پایان جنگ خانمانسوز و دستیابی به صلح شرافتمندانه را برای نجات جان صدها هزار جوان ایرانی، برای جلوگیری از ویرانی شهرها و روستاها و کشتار ساکنان بی‌گناه آنها ضرورت عاجل می‌دانستند.

تصادفی نیست که اعدام این میهن پرستان با ماجراجویی نوتی هواداران ادامه جنگ در حاکمیت و با آغاز حملات جدید آنان هم زمان است. محافل ارتجاعی با اعزام میهن پرستان به قربانگاه می‌کوشند تا موج فزاینده و فراگیر مخالفت با ادامه جنگ را در درون جامعه و در نیروهای مسلح خفه کنند.

نیروهای دمکراتیک و آزادی خواه ایران و دیگر نقاط جهان به خوبی پی برده‌اند که میهن پرستانی که تا کنون به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند و یا زیر شکنجه‌های دشمنانه به قتل رسیده‌اند، مانند صدها هزار زندانی سیاسی محکوم شده و یا در انتظار صدور احکام جابجرا، در مجموع قربانی یکی از توطئه‌های بزرگ فساد بشری سازمان جاسوسی سیا در ایران هستند.

در حساس‌ترین لحظات تاریخ میهن یلای کشیده ما، هنگامی که جامعه با مشکلات عظیم اجتماعی و اقتصادی در کشمیر و یا تهدید آشکار تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا روبروست، خصوصیت با حزب توده ایران که با سنت ترین و جدید ترین نیروی مدافع زحمتکشان است و تشدید بی‌سابقه کارزار تبلیغاتی علیه ایجاد نیروی همسایه ما و محکم ترین تکیه‌گاه نیروهای ترقی خواه و تحول طلب جهان مذهب می‌جز ایجاد شرایط مناسب برای فعالیت ضد انقلاب و احیای مواضع امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا نمی‌تواند داشته باشد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران اقدام در - منشاء محافل سرکوبگر دولتی ایران را به شدت محکوم می‌کند و از همه نیروهای دمکراتیک و ترقی خواه می‌طلبند تا صدای اعتراض خود را علیه جنایاتی که در میهن ما در جریان است بلند کنند.

خاطره ناپاک میهن پرستانی که به دست عمال ارتجاع به شهادت رسیدند در قلوب زحمتکشان و مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی برای همیشه زنده خواهد ماند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۱۳۶۲ اسفند ۷

# خشم و نفرت، اعتراضات گسترده مردم متری جهان را علیه اعدام توده‌های در بند، به اوج می‌رساند

بقیه از صفحه ۱

هنگامی صورت گرفت که اعتراضات نیروهای دمکرات و پیشرو جهان علیه بیدادگری‌های استبداد حاکم بر مین ما هر روز اوج تازه‌ای می‌گیرد و خواست قطع فوری پیگرد ها و شکنجه‌ها علیه توده‌های در بند و دیگر زندانیان سیاسی ضد امپریالیست با تأکید بیشتری مطرح می‌شود.

ما در این شماره "راه توده" نیز بخش‌هایی از این اعتراضات جهانی علیه بیدادگری‌های بربروشانه حکام ج ۱۰ را درج می‌کنیم.

## آلمان فدرال

موج اعتراض نسبت به صدور احکام اعدام و زندانی‌های طویل‌مدت علیه افسران میهن‌دوست و اعضای حزب توده در شهرها و ایالات مختلف آلمان فدرال بالا گرفته است.

نیروهای دمکرات و آزادی خواه این کشور، طی ارسال پیام‌ها، صدور قطعنامه‌ها و ارسال تلگرام‌ها و نامه‌های اعتراضی به مقامات مسئول ج ۱۰، صدور احکام جاپرانه در مورد ایمن مبارزان راستین راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی ایران را محکوم کرده‌اند.

نیست، تنها به درج اسامی شخصیت‌ها، سازمانها و گروههای نام برده مبادرت می‌ورزد:

- هیأت مسئولین سازمان جوانان سوسیالیست آلمان در کلن
- پارلمان دانشگاه کلن
- کمیسیون دانشگاه کلن، مربوط به امور دانشجویان خارجی
- لیست آلتزاتیو (گروه سبزها) در کلن
- اتحادیه دانشجویان مارکسیست مدارس عالی آخن
- رئیس، فعالین و اعضای شورای سندیکای کارگران فلز کار هاگن
- نائب رئیس سندیکای کارگران چاپخانه هاگن
- رئیس اتحادیه کارگران صنایع شیمیایی هاگن
- مسئول شعبه حزب کمونیست آلمان در هاگن
- مسئول و کادرهای سازمان جوانان سوسیالیست کارگر آلمان در هاگن
- رئیس سازمان ضد فاشیست‌ها در هاگن و نویسندگان متری این شهر
- شعبه‌های حزب کمونیست آلمان در بوخوم و نرنبرگ

## هندوستان

مخالف متری هندوستان، به دنبال اعلام خبر صدور احکام اعدام و زندانی‌های طویل‌مدت علیه افسران میهن‌دوست و اعضای حزب توده ایران، به اعتراضات وسیعی دست زد. زده‌ها از جمله این اقدامات اعتراضی، می‌توان به جلسه‌ای اشاره کرد که توسط اتحادیه کارگران، روزنامه‌نگاران، سازمان جوانان و رهبران سیاسی



تظاهرات اعتراضی سازمان‌ها و نیروهای متری آسیایا علیه رأی بیدادگاه‌های ج ۱۰



## اسپانیا

در تظاهرات با شکوهی که به ابتکار کمیته همبستگی با زندانیان دمکرات ایرانی و ده‌ها حزب و سازمان و جمعیت متری از جمله، حزب کمونیست کاتالونیا، حزب سوسیالیست متحد کاتالونیا، سازمان جوانان کمونیست کاتالونیا، جمعیت زنان سوسیالیست، سندیکای کارگری حزب ناسیونالیست چپ، حزب جمهوری خواه چپ، حزب کمونیست کارگری کاتالونیا، کلوپ زنان و چندین سازمان متری دیگر در روز ۱۷ فوریه (۲۸ بهمن) در بارسلون برگزار شد، صدور احکام اعدام علیه توده‌های متری در آن شرکت کردند.

شرکت‌کنندگان در این تظاهرات یکبارچه اعتراض خود را علیه رأی بیدادگاه‌های ج ۱۰ بلند کردند و همبستگی پایداریشان را با زندانیان توده‌های اعلام داشتند. در پایان این تظاهرات بیانیه‌ای اعتراضی توسط مسئول کمیته همبستگی در کاتالونیا، دکتر ساورین خوانده شد و سپس از آن تحویل مسئول سازمان ملل متحد در کاتالونیا گردید.

برجسته و با شرکت گروه کثیری از دمکرات‌های این کشور، در دهلی نو برگزار گردید که طی آن جنایات فجیع محاکمات ارتجاعی ج ۱۰ علیه مبارزان ضد امپریالیست ایران محکوم گردیده است.

"راه توده" ضمن ابراز تشکر از همبستگی عمیق نیروهای متری این کشور با عرضی پژوهش از این که به علت گسترش اقدامات دفاعی در نجات جان این میهن‌دوستان و ترانک مطالب، قادر به چاپ متن کلیه پیام‌ها، نامه‌ها و تلگرام‌های اعتراضی آنان

بقیه در صفحه ۱۵

# گامی دیگر در مرداب جنگ توسعه طلبانه

## معامله گری تسلیم طلبانه سران ج.ا.د در برابر تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا به مرزهای آبی میهن ما

(۸۴)

### معامله گری سیاسی با امپریالیسم آمریکا، در جامه پرخاشگری عوام فریبانه

از زمان چرخش به راست نهایی حاکمیت ج.ا.د در بهمن ۱۳۶۱ تا به امروز مناسبات رو به بهبود ج.ا.د و امپریالیسم هار آمریکا مراحلی مختلفی را گذرانده است .

عدول از انجام تحولات بنیادی و، ویرش لجاب گسیخته به حزب توده، ایران، و تیرگی مصنوعی مناسبات با اتحاد شوروی، بقده بهبود روابط ایران و امپریالیسم آمریکا بود . طی ۹ ماهه نخست سال ۶۲ میل کالاهای و سلاح های امپریالیستی، از ایالات متحده و کشورهای امپریالیستی دیگر و دست نشانده امپریالیسم به ج.ا.د سرانیر شد . نوسازی وابستگی اقتصادی و نظامی به امپریالیسم گسترش پیدا کرد . ج.ا.د برای جبران خسارت های انحصارات آمریکائی در انقلاب بهمن، نزدیک به یک میلیارد دلار غرامت به این شرکت ها پرداخت و همسویی و همسانی سیاست های ج.ا.د با سیاست های امپریالیستی اوج گرفت .

در این دوره سران ج.ا.د تلاش داشتند با تسلیم به مطامع امپریالیسم و خوش خدمتی در راه تأمین منافع آنان، نظر موافق امپریالیسم آمریکا را برای قطع پشتیبانی از رژیم سدام و فروش سلاح های استراتژیک به ج.ا.د جلب کنند . آقاسی خاتمی، خطاب به دولت رونالد ریگان می گفت :

" قدرت های بزرگی که در شورای امنیت عضویت دارند، باید بتوانند بار دیگر حسن ظن ما را جلب کنند " (اطلاعات ۸ شهریور ۶۲)

و نخست وزیر، خواهران شرکت ج.ا.د در بیان نظامی دست نشاندهگان امپریالیسم در شوروی همکاری خلیج فارس می شد :

" اگر هدف اینست که ملت های تمام کشورهای حوزه خلیج فارس با هم در حالت سلامت آمیز زندگی کنند، پس باید این طرح را توسعه داد و کامل نمود و این طرح کامل نمی شود مگر اینکه ج.ا.د به عنوان مهم ترین و قوی ترین کشور منطقه در آن مشارکت داشته باشد " (اطلاعات ۲۴ شهریور ۶۲)

روح سیاست ج.ا.د در این مرحله در ایسن پیام به امپریالیسم آمریکا خلاصه می شد :

" دست از حمایت سدام بردارید و از ما پشتیبانی کنید، ما منافع شما را بهتر برآورده خواهیم کرد !"

خوش بینی سران ج.ا.د نسبت به پیشبرد بقیه در صفحه ۶

آمریکایی به فرماندهی ناو هواپیمای بر میدوی و ۲ رزمنا و انگلیسی در مرزهای آبی میهن ما، به ضوآن ژاندارم امنیت تنگ هرمز، مانع آنها از نزدیک شدن واحد های نظامی ایران به این منطقه، و تهدید گستاخانه تجاوز نظامی و آغاز عملیات جنگی امپریالیسم آمریکا علیه ایران - که سران ج.ا.د در باره آن سکوت کرده اند - نشانه بارز دیگری بر حقانیت هشداد مسئولانه حزب ماست . روز هفت اسفند، خبرگزاری ها گزارش دادند که یک رزمنا و آمریکائی چند موشک بسوی یک هواپیمای ایرانی که از نزدیکی آن عبور می کرده است، شلیک کرده است . همین رزمنا و به یک کشتی نظامی ایران که از منطقه ای در تنگ هرمز که از سوی فرماندهی آمریکائی منطقه (؟!) ممنوعه اعلام شده است می گذشت، فرمان داد که از این منطقه دور شود و کشتی ایرانی نیز این فرمان را اطاعت کرد (!)

در طول سالهای پس از انقلاب، آمریکا تنها مرکز با چنین گستاخی خیره سرانه ای حقوق حاکمیت ملی مردم ما را نقض و نظامیان میهن - دست ایرانی را تحقیر نکرد ماند .

از سوی دیگر رونالد ریگان رسماً اعلام کرد که امپریالیسم آمریکا به هر قیمتی از سد و دشمن تنگ هرمز جلوگیری خواهد کرد . استانیفیلد ترنر رئیس سازمان سابق سیا نیز در مصاحبه ای با مجله " کویتی " الوطن " گفت که اگر ج.ا.د به تهدیدات خود ادامه عمل بپوشاند و تنگ هرمز را ببندد، آمریکا به قلب ایران حمله خواهد شد . (راد یواسرائیل ۲۵ فوریه ۸۴)

سران ج.ا.د که با تسلیم طلبی آشکار در باره عملیات جنگی امپریالیسم آمریکا در مرزهای آبی میهن ما سکوت کرده اند، اینک که تهدیدات عوام فریبانه و از اساس نادرست آنان به تهدید آشکار نظامی آمریکا انجامیده است، راه کرنش و عقب نشینی از مواضع پیشین برای اجتناب از برخورد جدی با امپریالیسم آمریکا را برمیگزینند . در حالی که پیش از این ج.ا.د مدعی بود که در صورت بباران تأسیسات نفتی ایران در خوارک، تنگ هرمز راسد و خواهد کرد، اینک آقاسی خاتمی می گوید :

" حرف ما از اول همین بوده است و خواهد بود که تا وقتی که کشتی های ما از تنگ هرمز عبور کنند، با کسی کاری نداریم " (؟!) ( نماز جمعه - ۵ اسفند ۶۲ )

بهبوده نیست که محافل امپریالیستی اعلام می کنند :

" آمریکا از لفاظی هایی تهدید آمیز ایران به اندازه سال پیش نمی ترسد " ( تایمز ۲۲ فوریه

بقیه از صفحه ۱  
شعله های جنگ، با کسب این یا آن پیروزی کوچک و بزرگ نظامی موفق خواهند شد بن بست نظامی جنگ را در هم شکنند . در جهان امروز دوران کشورگشایی نظامی دیربست که سپری شده است و کشورگشایان ج.ا.د سرنوشتی بهتر از اسلاف رنکارنگ خویش ندارند . جنگ توسعه طلبانه ایران و عراق مدتهاست که به باتلاقی برای شوونیست های کشورگشای ج.ا.د تبدیل شده است، که با هر گام پیشروی، آنان را بیش از پیش به کام خود فرو می کند .  
شواهد مختلف حاکی از آن است که حاکمیت ج.ا.د همچنان سران دارد که سیاست جنون آمیز و مرگ آفرین و فاجعه بار خود را ادامه دهد . این سرنوشت همه روی برتافتگان از خلق است که با واقعیات سرسخت و قانونمند به ستیزه محکوم به شکست بر خیزند . آقای رفسنجانی گفته است :

" با این عملیات علی رغم وسعت و عظمت تازه اول کار است " ( رادیو ایران - ۱۷ اسفند ۶۲ )  
لجناجست غیر منطقی سران ج.ا.د در ادامه بی سرانجام این جنگ خانمانسوز، نشانه بین - بست سیاسی حاکمیت در مانده در بحران اجتماعی - اقتصادی و سیاسی عمیق میهن ماست . آنان که با روی گرداندن از آماجهای ضد امپریالیستی و مرد می انقلاب بهمن، با غلبان ناراضی و زحمتکشان روبرو هستند، نیک می دانند که با اعتراف به شکست سیاست جنگی شوونیستی و کشورگشایانه خویش، به ورشکستگی سیاسی خویش اعتراف کرده اند . از این رو تنها راه نجات خویش را در ادامه این جنگ فرسایشی که جز به سود امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه و زمین داران بزرگ ایران نیست، می بینند .

### امپریالیسم آمریکا برنده اصلی جنگ و ژاندارم تنگ هرمز

مردم ما به یاد دارند که حزب توده، ایران و سازمان برادر، سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) مدت ها پیش، در سرازاز رود نیروهای عراق در تابستان ۱۳۶۱، هشداد دادند که ج.ا.د با این اقدام در جنگ فرسایشی درازمدتی درگیر خواهد شد که بیش از همه به سود امپریالیسم لیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا تمام خواهد شد .

امروز، صرف نظر از نوسازی و احیای وابستگی اقتصادی و نظامی ج.ا.د به امپریالیسم جهانی که در درجه نخست به بهانه ضرورت های ناشی از جنگ انجام گرفته است، حضور نظامی ۳۱ رزمنا و

# به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

# رادیومسکو!

## سرکوب ظالمانه حزب توده ایران را محکوم می کند!

۱۰ تن از اعضای حزب توده ایران که قبلاً به اعدام محکوم شده بودند، تیرباران شدند.  
 زبان از ابراز خشم و انزجار نسبت به سرکوب ظالمانه این افسران میهن دوست بی گناه که به دستور مقامات قضائی ایران اعدام شدند عاجز است. شکی نیست تراژدی ای که در تهران روی داد، به مثابه نمونه سرکوب ظالمانه انسانهای دارای عقاید سیاسی متفاوت، از طرف مقامات قضائی ایران، در تاریخ ثبت خواهد شد.  
 ضروری است گفته شود این واندالیسم قضائی به هیچ روی به پایان نرسیده است. بیهوده نیست که در تبریز و شیراز و کرمان و بندر بوشهر و همچنین در ۴ شهرستان مرکزی اراک و خمین و محلات و دلجان، دادگاههای فرمایشی ترتیب داده شده است. آشکارا گفته می شود تمام این به اصطلاح محاکمات، به دستور مقامات بالا و مطابق دستورالعمل ویژه شورای عالی قضائی برگزار می شود.  
 صدها تن از اعضای حزب توده ایران و طرفداران آن که دستگاه های تبلیغاتی رسمی،

دائیم، حکم اعدام ده تن از آنان هم اکنون به موقع اجرا گذاشته شده است. این مجازاتها اعتراضات شدید و گسترده محافل اجتماعی جهان را برانگیخته است.  
 چندی پیش، سازمان بین المللی حقوق دانان دمکرات، بیانیه ای منتشر ساخت و اعلام کرد هنگام محاکمات در تهران، اعلامیه عمومی حقوق بشر و اعلامیه عمومی اسلامی حقوق بشر که بر اساس مفاد آنها حق متهمین برای دفاع حقوقی در نظر گرفته شده لغو گردیده است.  
 ظاهراً محاکمات فرمایشی اعضا و طرفداران حزب توده ایران در استانهای کشور نیز در شرایط مشابهی جریان پیدا می کند. از این رو محافل اجتماعی ترقی خواه سراسر جهان با نگرانی عمیق، جریان این محاکمات را دنبال می کنند و با خشم و انزجار نسبت به جبر و تعدی و ظلمی که در حق میهن دوستان ایرانی، اعمال مدافعان صالح توده های وسیع مردم، اعمال می شود، اعتراض می کنند.

آنان را "جاسوس" می نامند، به عنوان "متمم" در این محاکمات حضور دارند. روشن است که سرکوب ظالمانه طرفداران حزب توده ایران ادامه دارد و مسئله بدینجا ختم نمی شود.  
 بر کسی پوشیده نیست که مبتکران اقدامات جبارانه پر اذنه ای که علیه حزب توده ایران و سازمانهای ترقی خواه دیگر صورت می گیرد سبخی دارند مسئولیت اعمال غیرقانونی خود را که مغایر با قانون اساسی است به پای مقامات قضائی استانهای کشور بنویسند و چنین وانمود سازند که گویا خود مردم، اعضای این حزب را محاکمه می کنند. ولی همه تلاش آنها عبث و بیهوده است.  
 چنانکه می دانیم این افسران میهن دوست که به پای میز محاکمه کشانده شده اند، اتهامات شرکت در توطئه علیه ج ۱۰۱۰ را شنیدند. رد کردند و خصلت میهن دوستانه و دما مریالیستی مبارزه خود را در دفاع از انقلاب خاطر نشان ساختند. با وجود این، علیه ۱۳ تن از این افسران، حکم اعدام صادر شد و ۸۷ تن به دوره های سخت زندان، محکوم شدند. چنانکه می-

می آید، دادگاهی که در آن زمان ۱۷ نفر از اعضای نظامی حزب توده ایران را به اعدام محکوم کرد. اعدام های اخیر رنگ خطری است برای جان هزاران کمونیست که اکنون به همین اتهامات ساختگی در زندانها به سر می برند. "اعترافات تلویزیونی که زیر شکنجه های سبعانه از زندانیان گرفته شده، نشان دهنده روزهای سختی است که در پیش است."

سپس روزنامه با اشاره به خفتان، حاکم پر ج ۱۰ و تلفات سنگین انسانی و خسارات مالی ناشی از جنگ، نتیجه می گیرد، بی سازد که:

حاکمیت ج ۱۰ نه تنها طلوعی برای مردم ایران بهارمغان نیاورده، بلکه باید هنوز در انتظار شبی بسیار سیاه بود.

در تاریخ مبارزات مردم ایران، قهرمانانی هستند که حتی بر مرگ پیروز شدند و در تشدید این مبارزات نقش مهمی ایفا کردند. از آن جمله می توان از خسرو روزه، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران نام برد که "قضات" دادگاه را مورد خطاب قرار داد و گفت:

"ممكن است من زنده بمانم و استقرا سوسیالیسم در ایران را بنیمن، ولی می دانم که به زودی اوضاع تغییر خواهد کرد. تمام فعالیت من برای ساختن جامعه نپهنی در ایران است که در آن خوشبختی، آبرو، شرافت و آزادی ملت من تضمین شده باشد."

خسرو روزه در ۱۱ ماه ۱۹۵۸ تیرباران شد. شاه طی سالیان دراز توانست روی حمایت آمریکا حساب کند.

اومانیه با اشاره به سخنان "ضمد" بقیه در صفحه ۱۶

## سرمقاله روزنامه اومانیه L'Humanité

### والفجر - ۶

نیز آغاز "والفجر - ۶" با تیرباران ۱۰ تن از آنان همراه گردید.  
 انقلاب ایران به وسیله حاکمیتی که وجهه مشخصه آن، تاریک اندیشی قرون وسطائی است به گمراهی کشیده شده است. این بیدادگری که کمونیستها از قربانیان آن هستند (کسانی که حزبشان، حزب توده ایران هدف اصلی خفتان دیکتاتوری شاه بود) به طور درد آوری انقلاب ایران را مورد حمله قرار داده است.  
 اومانیه سپس با اشاره به مبارزات چند دهه حزب توده ایران می نویسد:

صدها تن از اعضا و فعالین حزب توده ایران، در نبرد با امپریالیسم و برای آزادی در ایران، به وسیله ساواک - گشتاپو - شاه، به زندان افکنده شدند، شکنجه دیدند و به قتل رسیدند. شنبه گذشته نیز ۱۵ فوریه، ۱۰ نفر در دادگاه به (جرم) عضویت در سازمان نظامی حزب توده ایران محکوم شدند. در بین آنها، ۳ سرهنگ و فرمانده نیروی ریایی هم دیده می شدند. حکم اعدام آنها در ماه دسامبر و ژانویه گذشته از سوی یک دادگاه نمایشی، پشت درهای بسته، با سلب حق دفاع از متهمین صادر گردید.  
 شکنجه، اعترافات ساختگی و اتهام "جاسوسی"، "دادگاههای ساواک را به خاطر

روزنامه اومانیه، ارگان حزب کمونیست فرانسه سرمقاله شماره ۸۲ استوخودرا به بررسی نتایج شوم "علیات والفجر - ۶" و پیوند آن با اعدام ظالمانه افسران و اعضا حزب توده ایران اختصاص داده است.  
 "راه توده" به لحاظ اهمیت ویژه این بررسی، ترجمه متن آن را با کمی اختصار منتشر می کند:

یک سال پیش، هنگامی که شخصیتهای دولتی در تهران، "فجر" را اعلام کردند؛ منظور آنها برآمدن خورشید نبود، بلکه مرگ انسانها بود. "والفجر" عنوانی است که در فوریه ۱۹۸۳ به عملیاتی اطلاق شد که بنا بر عقیده رژیم ج ۱۰، می بایست مراحل پایانی و پیروزی جنگ را در پی داشته باشد؛ جنگی که عراق در سپتامبر ۱۹۸۰ علیه ایران آغاز کرد. حاکمیت ایران بی توجه به عدم وجود مراحل تعیین کننده نظامی، همچنان با دادن نامه های شمارشی "والفجر" به ایمن جنگ ادامه می دهد. در ۲۵ فوریه ۱۹۸۴ حاکمیت ج ۱۰ "علیات" والفجر - ۵ و چهارشنبه گذشته ۲۰ فوریه "والفجر - ۶" را آغاز کرد. هر بار از هر دو طرف تنها هزاران کشته به جای ماند. اتفاقی نبود که سال گذشته آغاز حمله "والفجر - ۱" با اولین دستگیری های وسیع کمونیست های ایران هم زمان بود و امسال

# گامی دیگر در مرداب جنگ توسعه طلبانه

بقیه از صفحه ۴

این سیاست تا به حدی بود که معاون وزیر خارجه ایران می گفت :  
" فکر می کنم خود آمریکایی ها هم از صدام نا امید شده باشند " ( شیخ الاسلام معاون سیاسی وزارت خارجه - کیهان ۲۰ آبان ۶۲ ) .  
در ادامه این سیاست ، آقای هاشمی رفسنجانی خواستار فروش سلاح های استراتژیک و دور برد امپریالیستی به ایران می شد ( اطلاعات ۱۴ شهریور ۶۲ ) و در نماز جمعه سلاح های آمریکایی و انگلیسی را از نان شب برای مردم ما واجب تر می دانست ( اطلاعات ۲۴ دی ۶۲ ) .

## امپریالیسم آمریکا خواستار جنگ فرسایشی است

سیاستمداران آمریکایی که در معاملات سیاسی با حکومت های بریده از خلق از مهارت و تجربه فراوانی برخوردارند ، برای تقویت سمنگیری نهن سیاسی ج ۱۰ و در عین حال تشویق ادامه جنگ فرسایشی ، در برابر سران ج ۱۰ سیاست " چماق وحلو " را در پیش گرفتند .  
آنان در حالی که روابط اقتصادی و نظامی اردگاه امپریالیسم با ج ۱۰ را تشویق می کردند ، از به کار بردن فشار نظامی نیز برای تأمین هرچه بیشتر منافع خویش بهره می بردند . امپریالیسم آمریکا در عین حال مناسبات مختلف با عراق را نیز حفظ و از آن به مثابه تهدیدی برای تسلیم هرچه بیشتر سران ج ۱۰ استفاده می کرد . ایالات متحده به این ترتیب با تأیید و تشویق هر دو طرف درگیری ، آتش جنگ فرسایشی را همچنان دامن می زد و دوام آن را برای مدت های طولانی تضمین می کرد .

از دی ماه گذشته امپریالیسم آمریکا مرحله نونی از سیاست " چماق وحلو " را آغاز کرد . در آغاز این مرحله محافل دولتی آمریکا اعلام کردند که در سیاست آمریکا چرخش ملایمی در سمت حمایت از حکومت عراق در برابر ج ۱۰ به وجود آمده است ( واشنگتن پست ۱ ژانویه ۸۴ ) .

" چرخش ملایم " در سیاست امپریالیسم آمریکا ، به معنای قطع پشتیبانی اقتصادی - نظامی امپریالیسم جهانی از ج ۱۰ نیست . ایالات متحده هیچ گونه اقدام جدی برای ممانعت از صدور سلاح های امپریالیستی به ج ۱۰ و قطع و یا کاهش صادرات کالا های امپریالیستی به ایران به عمل نیامده است . هدف مانور سیاسی نهن امپریالیسم آمریکا ، ضمن ادامه جنگ فرسایشی از طریق پشتیبانی از هر دو طرف درگیر ، تثبیت منافع تجار و گرانه نظامی و حفصه نظامی سازمان یافته و دراز مدت در خلیج فارس و اقیانوس هند و به تسلیم کشاندن هر چه بیشتر طرفین درگیری به مناقه و مطامع استراتژیک خویش است .

## دور تازه معامله گری ج ۱۰ با امپریالیسم آمریکا

با موضعگیری نهن دولت ایالات متحده در رابطه با جنگ ایران و عراق ، دور نخست مغالزه سیاسی سران ج ۱۰ با ایالات متحده خاتمه یافت . اینک پاسخ امپریالیسم آمریکا به پیام سران ج ۱۰ روشن شده بود .

" اجازه نمی دهیم حکومت صدام سقوط کند ، شما نیز ناگزیرید به مناقه تسلیم شوید " .

هدف فشارها و تهدیدات نظامی اخیر آمریکا ، قبولاندن این خواست به سران ج ۱۰ است . این تهدیدات بر پایه محاسبات دقیقی استوار است . امپریالیست ها نیک می دانند که سران ج ۱۰ با پشت کردن به آرمانهای اصیل انقلاب بهمین ، در ماندن در بن بست سیاسی ، دیر یا زود با اعتراف به ورشکستگی سیاسی خویش ناگزیرند هرچه بیشتر به دامن امپریالیسم آمریکا و ارتجاع پناه برند .

در عین حال محافل دولتی آمریکا اعلام می کردند که در دولت رونالد ریگان ، دور رابطه با جنگ ایران و عراق دو جناح شکل گرفته است . یک جناح خواستار پشتیبانی از عراق و جناح دیگر که در اقلیت قرار گرفته است خواستار پشتیبانی از ایران است ( واشنگتن پست ۱ ژانویه ۸۴ ) . درز آناهانه و از روی نقشه این خیر در جراید امپریالیستی ، بیانگر آنست که ایالات متحده امکان آشتی با حاکمیت ج ۱۰ را همچنان محتمل می داند .

تنها اعلام این خبر کافی بود که دور تازه ای از تلاشهای مجامله گرانه سران ج ۱۰ بسرای تقویت جناح پشتیبان ایران در دولت رونالد ریگان آغاز شود ، آقای خامنه ای بلافاصله اعلام کرد :

" اگر سیاستگزاران آمریکائی . . . دچار وسوسه ماجراجویی در خلیج فارس شوند . . . مسلماً آن جناحی شکست خواهد خورد که تا به حال ضربات متوالی از اسلام و انقلاب اسلامی خورده است " ( رادیو ایران ۲۰ بهمن ۶۲ ) .

سران ج ۱۰ اینک می کوشند سران ایالات متحده را قانع کنند که " دنیا تغییر کرده است و کارگزاران سیاست آمریکا " باید طرز تفکر و سیاست خود را تغییر دهند " . آقای خامنه ای در اوج پرخاش - گری دروغین نسبت به امپریالیسم آمریکا دعوت آنان به واقع بینی (؟! ) را نیز فراموش نمی کند :  
" اگر آمریکا بخواهد با ماجراجویی های خود در خلیج فارس فضاحت خود را در لبنان جبران کند ، یا رژیم عراق را از سرنگونی نجات دهد ، مباد تمام منافع آمریکا در خلیج فارس را نابود خواهیم کرد . خوب است سیاستمداران واقع بینانه تر نگاه کنند " ( نماز جمعه ۵ اسفند ۶۲ ) .

اعدام میهن دستان تودهای و موج نوی سروری ستیزی لجام گسیخته سران ج ۱۰ . چهار چوب این معامله گری رسوای سیاسی ابها فاجعه آمیز خود را نشان می دهد .

در بچیوجه تهدید نظامی امپریالیستی سرکوگران ج ۱۰ با اعدام ده تن از افسران و فعالین تودهای به امپریالیسم جهانی اطمینان می دهند که سران ندارند که راه رفته را بازگردند ، در حالی که تجار و گران آمریکائی در مرزهایی آبی میهن ما دست به عملیات نظامی تحریک آمیز می زنند و حق حاکمیت مردم را به شکلی توهین آمیز زیر پا می گذارند ، سران ج ۱۰ برای مردم ما دشمن موهومی می تراشند و اتحاد شوروی - همسایه صلح دوست ما را - به درگیری نظامی تهدید می کنند ( هاشمی رفسنجانی - ۱۷ اسفند ۶۲ ) تا به امپریالیسم آمریکا اطمینان بد خند که قصد ندارند از حد پرخاشگری عوام فریبانه نسبت به آنان گامی فراتر روند .

زونی سران ج ۱۰ در برابر تهدیدات نظامی و تحریکات توهین آمیز امپریالیسم آمریکا در مرزهای دریایی میهن ما و تلاش معامله گرانه برای حفظ پیوندهای اقتصادی و نظامی با امپریالیسم جهانی و زمینه سازی برای آشتی با دولت ایالات متحده - به شرط " واقع بینی " بیشتر - بیانگر جایگاه برجسته است که دوستی با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در برنامه های امروز و فردای سران ج ۱۰ دارد . آنان که راه احیا و نوسازی سرمایه داری وابسته با امپریالیسم و سرکوب انقلابیون اصیل ایران و دشمنی با نیروهای مترقی جهان - و در مرکز آنها اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - را برگزیده اند ، خواست و توان مبارزه واقعی پیگیر و راستین با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را از دست می دهند .

## مبارزه در راه صلح شرافتمندانه ، مبارزه در راه نجات انقلاب از خطر شکست نهایی است

در حالی که حاکمیت ج ۱۰ که به اهداف ولای انقلاب بهمین پشت کرده است ، برای نجات خویش ، ادامه جنگ فرسایشی را به امید موهوم پیروزی در آن ضروری می داند ، توده مردم که ابعاد گوناگون این فاجعه بلی را با گوشه و استخوان خود حس می کنند ، بیش از پیش به تجربه عینی درمی یابند که دستیابی به آرمانهای اصیل انقلاب ، استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی ، جز با مبارزه پیگیر در راه صلح شرافتمندانه ممکن نیست .

مقاومت در برابر جنگ افزوزان به اشکال مختلف گسترش می یابد . سرپیچی گسترده مشمولین نظام وظیفه و داوطلبان پیشین جنگ از معرفی خود به نهادهای نظامی ، سران ج ۱۰ را با مشکل کپیو نیروی انسانی در جبهه ها روبرو کرده است . بنابراین قوانین تازه ، مدت خدمت نظام وظیفه به ۲/۵ سال و دوران خدمت احتیاط به ۸ سال افزایش یافته است . مأمورین انتظامی برای شکار مشمولین فراری بسیج شده اند .

بقیه در صفحه ۱۵



# میراث شوم توکلی در پیش نویس قانون کار

همان گونه که در شماره پیش خیر دادیم پیش نویس قانون "جدید" کار انتشار یافت. ولی به قول معروف "کوه موش زائید" و همان گونه که انتظار می رفت پیش نویس "جدید" روح پیش نویس کذایی توکلی را در کالبدی دیگر جان بخشید.

مسئولان فعلی وزارت کار که زمانی خود جزو منتقدین پیش نویس قبلی بودند و به خوبی از نفرت کارگران نسبت به آن با خبرند، اکنون در تبلیغاتشان تلاش دارند این طرز انمود کنند که پیش نویس "جدید" می مطرح است که اساساً با پیش نویس توکلی و شرکاء تفاوت دارد بررسی مختصر پیش نویس منتشره دروغ بودن تبلیغات مسئولان وزارت کار را افشاء می کند.

واقعیت این است که مرحله جدید سیاست ضد کارگری رژیم که از بهمن ۶۱ آغاز شد اکنون به نقطه ای رسیده است که حاکمیت موقراً پیرای تصویب یک قانون کار ارتجاعی مناسب می بیند. حاکمیت به عیب می پندارد که یورش وحشیانه و خونین به حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، انجمن هیستگلی، سندیکاها و شوراها کارگری، کارگران ایران در برابر قانون کار ارتجاعی مقاومت چندانی نشان نخواستند داد. از طرف دیگر رژیم قصد دارد که به دست برخی عناصر و با یزک کردن برخی ظواهر خشن و قرون وسطایی پیش نویس قبلی، خود را مدافع منافع کارگران معرفی کند. حزب توده ایران به موقع خود اهداف تدوین کنندگان پیش نویس توکلی را افشاء نمود. این اهداف عبارت بودند از:

- نفع دستاورد های ۷۰ ساله جنبش کارگری ایران؛
- نفع دستاورد های انقلاب بهمن؛
- نفع اصول مترقی قانون اساسی.

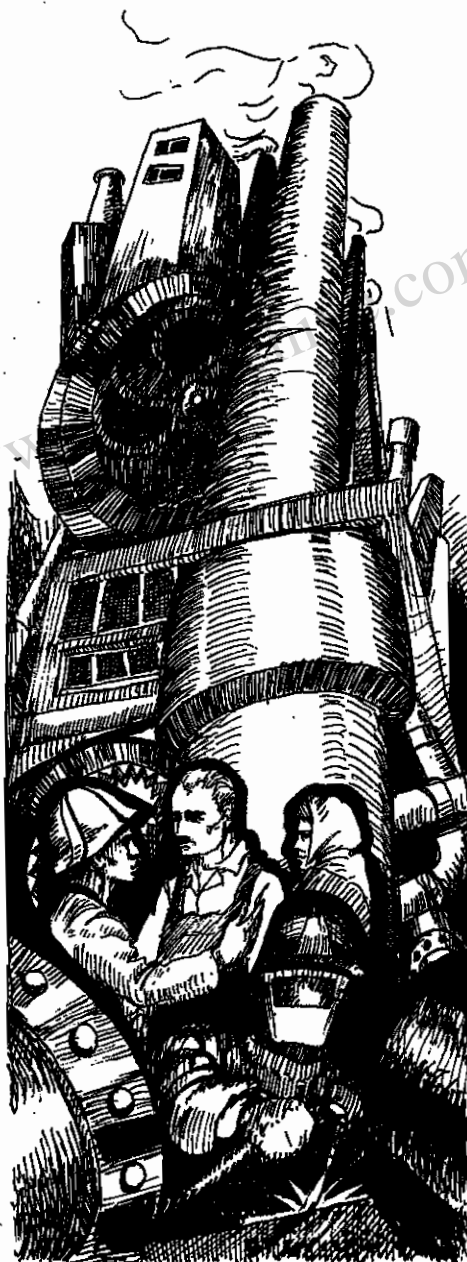
## دستاورد های نبرد چند ده ساله طبقه کارگر در خطر است

۴۰ سال پیش کارگران بر اثر مبارزات خود و به همت تشکل مستقل قدرتمند و سراسری خود، توانستند خواست محدود کردن استعمار را به رژیم وقت تحمیل کنند و آن را در قانون کار بگنجانند. بدین ترتیب سرمایه داران قانوناً مجبور شدند تا حدود معینی مسئله حداقل دستمزد، بیمه کارگران، رعایت تعطیلات و مرخصی ها و غیره را بپذیرند. اگرچه سرمایه داران در بسیاری موارد به این تعهد خود عمل نکردند ولی وجود این اجبار قانونی دستاورد بزرگی برای کارگران به شمار می رفت.

پس از انقلاب خواست طبقه کارگر این بود که نه تنها این دستاورد ها حفظ شود، بلکه نقش عظیم طبقه کارگر در جامعه و در امر پیش برد اهداف انقلاب به رسمیت شناخته شده و بر این پایه منافع کارگران در قانون کاری با مسئولان انقلابی و کیفیت نوین رعایت گردد. حاکمیت پس

از انقلاب نه تنها به این وظیفه ای که انقلاب در مقابلش قرار داده بود عمل نکرد، بلکه برعکس در اولین پیش نویس قانون کاری که با رهبری نماینده سرمایه داری هار و عقب مسانده ایران، توکلی، تدوین شد، هدف اساسی نفی این دستاورد های کارگران بود.

در فصل چهارم پیش نویس "جدید" این مهم ترین پایه فکری ضد کارگری توکلی، یعنی تبدیل کارگران به "مال الاجاره" و از بین بردن هرگونه محدودیت در استثمار کارگران، به شکلی دیگر دیده می شود. در این فصل به سرمایه داران اجازه داده می شود تا در صورت این که نخواهند از فلان و بهمان امتیاز دولتی بی بهره گیرند، هر بلایی می توانند بر سر کارگران بیاورند.



شوراهای کارگری

در نظر طراحان این پیش نویس، کارگران موجوداتی بی ارزش و زبون اند که سرمایه داران می توانند در صورت عدم تمایل به استفاده از ارز دولتی، بندرگاه و ۰۰۰ با آنها مانند حیوان رفتار کنند. از نظر مدافعان "معنویت" و تقبیح کنندگان "مادیت" ارزش والای کارگر به ارز دولتی، زمین مجانی و ۰۰۰ است.

## نقی کامل تشکل صنفی کارگری

تشکل های صنفی کارگران، سندیکاها، اتحادیه ها، شوراها و انجمن های صنفی مهمترین سلاح طبقه کارگر در نبرد صنفی - مطالباتی علیه سرمایه است.

پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، اصل ۲۶ قانون اساسی آزادی تشکیل انجمن های صنفی کارگری را تضمین کرد. ولی سرمایه داران و نمایندگانشان از هیچ تلاشی جهت نابودی تشکل های کارگری که در جریان بعد از انقلاب به وجود آمده بودند، کوتاهی نکردند.

یکی از مهم ترین محورهای پیش نویس توکلی نفع هرگونه تشکل کارگری بود. توکلی می خواست کارگران را از تشکل محروم کند تا هیچگونه مانعی بر سر راه استثمار بی حد و مرز آنها وجود نداشته باشد. این سیاست ضد کارگری خشن و عریسان توکلی با مقاومت کارگران ایران شکست خورد. ولی محتوی سیاست او توسط مجومه حاکمیت پسه اشکال دیگری پی گیری شد.

در چار چوب این خط مشی بود که طرح "شوراهای اسلامی کار" توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. ما همان هنگام اعلام کردیم که این طرح ضد کارگری و ضد تشکل کارگری است و اصل ۲۶ قانون اساسی را نقض می کند (راه تسوده شماره های ۶۷، ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۷۳). در این قانون چند امکان کوچک وجود داشت که به کارگران اجازه می داد فعالیت های بسیار محدودی در چار چوب "شوراهای اسلامی کار" داشته باشند. ولی شورای نگهبان سرمایه داری این را هم تحمل نکرد و مصوبه مجلس را رد کرد. وظیفه تحقق این خواست نگهبانان سرمایه یعنی نفی تشکل های صنفی کارگری اکنون به پیش نویس "جدید" محول شده است.

پیش نویس جدید "قانون کار" بیسش از دو سوم کارگران را - ۳/۵ میلیون نفر از ۵ میلیون نفر آنها را، که در واحدهای زیر ۳۵ نفر و کارخانجات بزرگ دولتی کار می کند - از حقوق تشکل محروم کرده و در مورد بقیه نیز در ماده ۱۷۸ پیش نویس تصریح می کند که:

"ساعاتی که اعضای شورای اسلامی کار به وظایف شورای مشغول هستند، در صورت موافقت صاحب کار، جزء ساعات کار آنها محسوب می گردد."

اعضا همیشه وزراء و مسئولین وزارت کار بقیه در صفحه ۱۴

# قتل عام سف

## در سپیده دم ششم اسفند، جوخه‌های دوزخی اعدا

خود، به دشواری‌ها و سختی‌های زندگی کارگری پی برده بود، با آرمانهای عدالت‌پرو و حزب آشنا شد و در سال ۱۳۳۲ به عضو حزب درآمد. او در طول عمر پرکوش خود، عنوان انسانی صادق، شرافتمند و بیکار احترام همگان را برمی‌انگیخت؛ زیست و انقلاب فعالانه در جهت تحکیم و گسترش راه انقلاب و دستاوردهای آن کوشید و از این راه از استقبال هیچ خطری روی نگرداند. او ۳۰ سال بی‌وقفه در جبهه‌های جنگ، در پرخطرترین مهلکه‌ها و زیر آتش مستقیم توپ‌های دشمن برده‌نروها را بسیج کرد و طرح‌های موفقیت‌آمیزی را برای عقب‌راندن ارتش صدام از وطنش فرماندهی کرد. او در رابطه با اتهامات سیا ساختن دادستان انقلاب گفت:

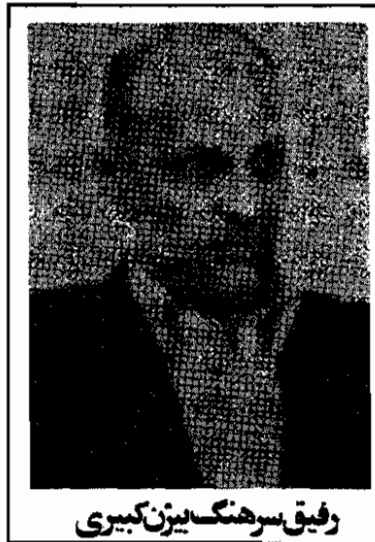


رفیق سرهنگ عطاریان

چنین تحلیل می‌کردم که برای فائق آمدن به مشکلات و برپایی اینک جامعه به طرف یک تعادل، به طرف یک قسط پیش‌برود، لازم یک حزب چپ ۰۰۰ که انگیزه‌های خدمت‌اجتماعی یکسان برای افراد جامعه را داشته باشد، برای مملکت ما ضروری است تا با مطرح کردن شعارهای مردمی و با اعلام نقطه ضعف‌ها با ارائه راه‌حلال‌ها خدماتی را بتوانند به جامعه انجام دهد. ۰۰۰ او در مراحل بازجویی و دادگاه اتهامات "یراندازی" و "جاسوسی" را به کلی رد کرد و صریحا اعلام داشت:

" ۰۰۰ در طول فعالیتیم در سازمان حزب، اطلاعات نظامی را که قابل استفاده و بهره‌برداری در امر جاسوسی یا در امر براندازی باشد، به حزب ندادم. ۰۰۰"

**رفیق سرهنگ هوشنگ عطاریان** او هنگامی که در یک کارگاه کار می‌کرد و با تجربه شخصی



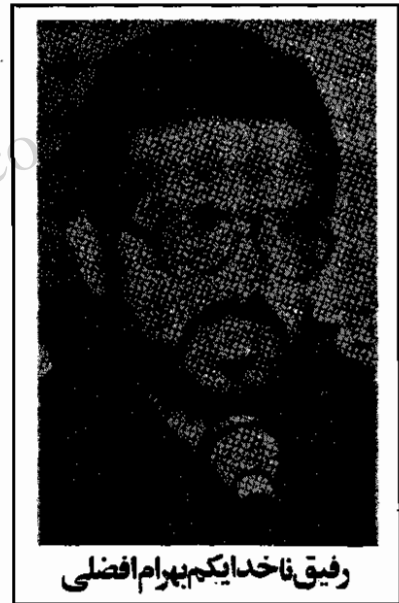
رفیق سرهنگ بیژن کبیری

" ۰۰۰ من جاسوسی و اقدام بر علیه امنیت کشور و براندازی را قبول نداشته، و فعالیت و عضویت در شبکه مخفی را قبول دارم زیرا اگر کسی هدف براندازی داشته باشد به خاطر این است که به چیزی و پول و مقامی برسد و در جهت تخفیف انقلاب عمل می‌نماید. ۰ ولی از تاریخ ۵ اسفند ۵۷ که در ج ۱۰، مسئولیت پذیرم تا روز دستگیری برای حفظ نظم جنگیده‌ام. ۰۰۰"

**رفیق سرهنگ بیژن کبیری** آشنای رفیق کبیری با آرمانهای حزب توده ایران نیز به سایر هم‌پیش‌از ۳۲ بر می‌گردد. یکی از موارد خواست دادستان که بر سنگینی "جرایم" افزاید به شرح زیر است:

**وطن!**  
**وطن کلمات من**  
**گهواره سرودهای من**  
**گورگاه عشق‌های من**  
**دامت را**  
**پرچم پوشاننده تابوت سردار ما کن**  
**و دل غمگین ما را**  
**چون دسته‌گلی بر آن بگذار!**

پرچمی که برای افزاشته نگاهداشتش در نیلی بی‌کران آسمان، نسل‌هایی از مردم ایران و نسل‌هایی از شیفتگان آرمان‌های مردمی حزب توده ایران، به خاک در غلطیدند. اکنون ایرانی سیاه‌پوش و خشمگین، با دست‌هایی لرزان از اندوه و نفرت، این درفش کویانی را از نهبانان باستانی سرزمین‌مان می‌ستانند تا بیکر غرقه به خون توده‌های دیگری ۱۰ عاشق وطن، عدالت و آزادی را در آن ببوشاند: رفیق ناخدا یک بهرام افضلی - رفیق سرهنگ هوشنگ عطاریان - رفیق سرهنگ



رفیق ناخدا یک بهرام افضلی

بیژن کبیری - رفیق سرهنگ حسن آذر فر - رفیق شاهرخ جهانگیری - رفیق محمد بهرامی نژاد - رفیق جعفر بهرامی نژاد - رفیق خسرو لطفی - رفیق غلامرضا خاضعی و رفیق فرزاد جهانباد، انسان‌هایی که مهر و عشقشان، به تیر کینه‌شکافیت و زندگی و هستی‌شان با تیر انتقام از پای درآمد. سپیده دم ششم اسفند، در برابر این صف سرشار از امید و شور و پاکی، جوخه‌های دوزخی لعدام ارتجاع ایستادند و با چکاندن ماشه "۳" امر بی‌چون چسرای امپریالیسم را به اجرا درآوردند. و بر شقایق زار حزب گل‌هایی دیگر نشانند:

**رفیق ناخدا یک بهرام افضلی** او عشق به حزب توده ایران را از سال‌های شوم و تاریک بعد از ۲۸ مرداد ۳۲ در دل داشت و آن را با خدمت در راه مردم همراه ساخت. زیرا:

" ۰۰۰ در رژیم گذشته با پوست و گوشت و استخوان خود، فساد، ظلم و محرومیت را در جامعه ایران احساس کرده بودم. برای خودم

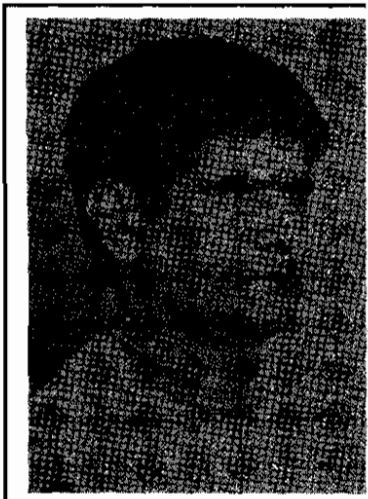


# توده‌ایها...

## افسران و دیگر اعضا حزب توده ایران را قیرواران کردند!

"ادامه" فعالیت در زندان برای تشکیلات  
"...."

رفیق کبیری نیز، از ابتدای شروع جنگه نقش جانشین ناپذیری در عقب راندن نیروهای رژیم پخداداد از خاک میهن مان و شکستن محاصره آبادان به عهده داشت. ایثارگری‌ها و اقدامات جسورانه او در باز پس گرفتن خرمشهر، زبان زد خاص و عام است. همه زحمتکشان ایران، مردم آبادان و نیروهایی که تحت فرماندهی او، ارتش عراق را به عقب راندند، رفیق کبیری را به عنوان "فاتح خرمشهر" می‌شناسند. یاد حماسه آفرینی‌های او در فتح خرمشهر که نیروهای متجاوز عراق را کوجه به کوجه و محله به محله دنبال کرد و آنان را به پشت مرزهای ایران راند، از خاطیره‌ها زد و دنی نیست. وی درد قاعیات خود تصریح می‌کند:



رفیق سرهنگ حسن آذرفر



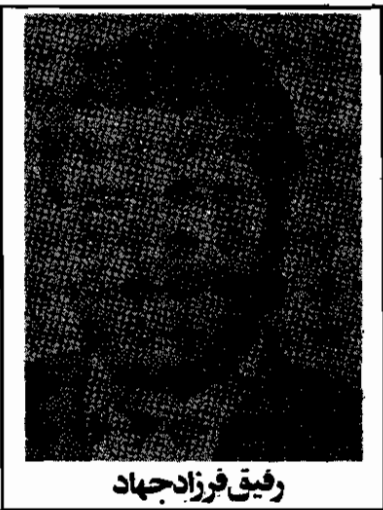
رفیق جعفر بهرامی نژاد



".... من در رابطه با مسائل عدالت اجتماعی، طرفدار این حزب شده بودم، نه یسه خاطر ضدیت با مذهب و هیچ وقت نیز به این صورت به این مسئله فکر نکردم که مارکسیسم و اسلام اختلاف ریشه‌ای دارند...."

**رفیق سرهنگ حسن آذرفر** رفیق آذرفر از خانواده‌های زحمتکش در بروجرد پا به عرصه وجود گذاشت و از آنجا که از کودکی با محرومیت ورنج آشنا بود، پس از انقلاب به صفوف حزب مدافعان محرومان ورنج دیدگان پیوست. وی در این باره می‌گوید:

".... با مطالعاتی که داشتم، با برنامه‌های که حزب ارائه داد و البته برنامه‌های اقتصادی که حزب ارائه داد من جذب حزب شدم. یعنی به حزب مراجعه کردم و تقاضای ثبت نام کردم...."

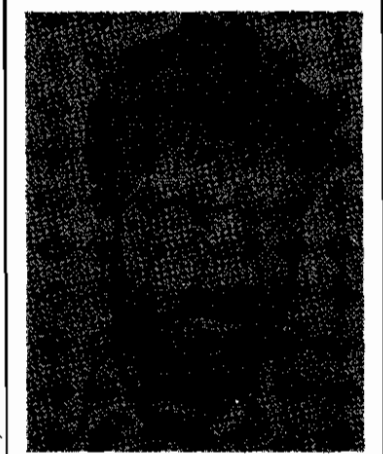


رفیق فرزاد جهاد

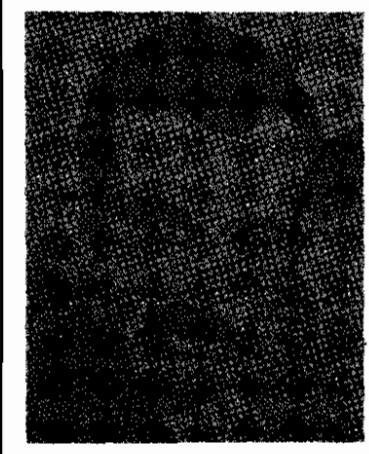
**رفیق شاهرخ جهاتگیری** رفیق جهاتگیری در سال ۵۲، به عضویت سازمان نوید درآمد و از آن هنگام در امر چاپ و پخش نشریه نوید و بیه سوی حزب و مبارزه با رژیم شاه ملعون به فعالیت پرداخت.

**رفیق محمد بهرامی نژاد** رفیق بهرامی نژاد عضو گروهی بود که در سال ۵۶، مشی حزب را بررسی می‌کرد و چون به اصالت و درستی آن بی برد به حزب توده ایران پیوست. رفیق بهرامی نژاد در سال‌های سیاه خفقان محمد رضاشاهی، علیه رژیم فعالانه به نبرد پرداخت و در قاعیات خود اتهام "جاسوسی" را به کلی رد کرد و در جریان محاکمه فرمایشی خود صریحا گفت:  
".... من هیچ اطلاعاتی که مضر برای انقلاب اسلامی باشد و نیز هیچ اطلاعاتی از ارتش به حزب ندادم."

**رفیق جعفر بهرامی نژاد** وی در سال ۵۸ به عضویت حزب توده ایران درآمد و فعالانه در راه خدمت به انقلاب و حفظ دستاورد های آن کوشید. وی به واسطه موفقیت خود، بیشتر سال های جنگ را در جبهه‌های نبرد بسر برد و موافق رهنمود های حزب، همه توان و فعالیت خود را در جهت عقب راندن دشمن متجاوز به کار بست. در گزارش محاکمه او آمده است:  
".... وی در مورد بند ۲ کثیرخواست مبتنی بقیه در صفحه ۱۰"



رفیق غلامرضا خاضعی



رفیق محمد بهرامی نژاد

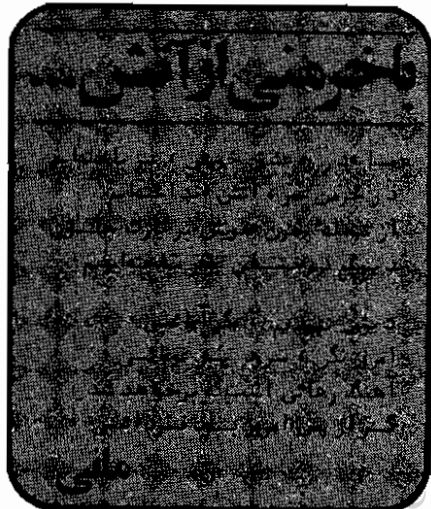
# قتل عام سفاکانه تود دایها...

بقیه از صفحه ۹

" متهم ۰۰۰ در رابطه با توطئه براندازی از سوی حزب ۰۰۰ همچنین مدعی شستدکسه رهبران حزب، همیشه تأکید می کردند که باید در خط انقلاب و دفاع و تدابیر آن کوشش کرد. زیرا در صورت شکست انقلاب، نیروهای طرفدار آمریکا حاکم خواهند شد. وی علت گرایش خود به حزب را انگیزه های نوع دستانه دانست. "

بر دادن اطلاعات و اخبار محیط کار خود به مسئولینش مدعی شده هر ۵۰ روز یک بار بیه مرخصی می آمده و در این مدت با برادر و اعضای خانواده خود از مسائل جنبه صحبت می کرده و اینها برای وی شیرین و خاطره انگیز بود. وی مدعی شد که اصلا با مسائل سری آشنا نبوده و به آنها دسترسی نیز نداشته است و تا کسبون اخبار و اطلاعاتی که به ضرر انقلاب و مردم باشد به حزب نداده است. "

تحت مسئولیت داشتن چند کارگسر تود های، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ۰۰۰ رفیق جهاد نیز، مانند سایر هم زمان خود که به جوخه های اعدام سپرده شدند، اتهامات سیا ساخته " براندازی " و " جاسوسی " را رد کرد. اما جباران خیانت پیشه حاکم بر سرزمین ما، به جای ارزش گذاری بر فعالیت ها و اقدامات سازنده و کارنامه سراسر کار و پیکار این مبارزین، با لجاجتی انتقام جویانه به مقادیر پرورد های کسه سیا ساخته و سواجا پرداخته استاد کردند و آنان را با عناوین " جاسوس " و خائن " به جوخه های اعدام سپردند. اما این شهیدان، برای ما و همه مردم محروم سرزمین مان و بشریت مترقی نوایی از تندر تاریخ اند. آنان اندیشیدن کوشیدن و رزمیدن در راه و برای توده ها را معنای زندگی خود ساختند. رنج و تلاش شگرفشان برای کاشتن بذری که خورشید مهر و دوستی میوه آنست، عظمت مهیب نبی شان را ناچیز می کند، آنان در وجود هر تود های زند ماند. بر سر سفره محقر همه زحمتکشان این مرز و بوم حاضرند و در چشمه محبت همه انسان های پاک، تصویری روشن از آنان باقی است. اکنون و تا ابدیت! آن کودکی که برای آخرین دیدار با پدر، به سوی زندان اوین شتافت و به جای دستان گرم او، پیراهن خونینش را در دست فشرد، فردا به نام و یاد اوست که رزم خویش را می آغازد. علیه پیداد جامعه، استبداد و ارتجاع، علیه جهالت و بربریشی، علیه کسانسی که ردیلانه و با دیوانه سری های انتقام جویانه تسکین خود و سود خود را در مصلوب کسردن زندگی هایی چنین پاک و انسانی می یابند. این پیمانی است که هر تود های با قلب سرشار از آرزوی آن کودک، و حزب بزرگ خود بسته است!



**رفیق فرزند جهاد** فعالیت رفیق جهاد در حزب توده، ایران به سالهای پیش از انقلاب بر می گردد. او و گروه کوچک کارگری اش با سازمان دادن اعتصابات طاغوت برافکن در محیط های کار آنان، نقش برجسته ای در مبارزه با رژیم محمد رضا شاهی بازی کرد. یکی از اتهامات مندرج در کیفرخواست دادستان که بر اساس آن محکوم اعدام برای او صادر شده شرح زیر است:

**رفیق خسرو لطفی** رفیق لطفی، از اعضا و مسئولین توده، در سال های سیاه اختناق، پیگیرانه علیه رژیم محمد رضا شاهی مبارزه کرد. اولیسن اتهام مندرج در کیفرخواست دادستان کسه بر اساس آن حکم اعدام در باره وی صادر شد به این شرح است:

" ۱- عضویت در تشکیلات مخفی توده ۰۰۰ و تحت مسئولیت داشتن تشکیلات توده در مازندران "

رفیق لطفی، در جریان محاکمه خود، اتهامات " جاسوسی " و " براندازی " اقامه شده از جانب دادستان را رد کرد.

**رفیق غلامرضا خاضعی** رفیق خاضعی در سال ۵۷ با سازمان نبیذ تماس گرفت و بلافاصله فعالیت خود را در راه آرمانهای حزب توده ایران و علیه نظام استعماری و استبدادی محمد رضا شاهی آغاز کرد. حوزه فعالیت وی در قائم شهر و مشهد بود. او در جریان محاکمات نمایشی خود، اتهامات واهی " جاسوسی " و " براندازی " را شدیداً رد کرد. گزارش محاکمه وی در این رابطه حکایت دارد:

# اعلامیه تشکیلات دمکراتیک زنان ایران

## درباره اعدام میهن دوستان

**مردم شرافتمند ایران، زنان مبارز و ایثارگر**  
به هوش باشید و با افشای توطئه های امپریالیسم و ارتجاع به خنثی کردن آن یساری رسانید!  
ما، ضمن محکوم کردن این جنایات، بار دیگر کلیه نیرو های مترقی، و آزادی خواه و تمام بشر دستان جهان را فرا می خوانیم، تا با اقدامات اعتراضی خود، جلوی اعمال بربرمنشانه رژیم دیکتاتوری ایران را سد کنند!

— گرامی باد خاطره میهن دستانی که جان بر سر آرمانهای انقلابی باختند!  
— پیروز باد مبارزات حق طلبانه مردم میهن مسا به خاطر استقلال، آزادی و رفاه اجتماعی!

اکنون این توطئه که از مدت ها پیش، علیه ارکان انقلاب مردمی و خلق ستم دیده، تدارک دیده شده بود به اوج فاجعه آمیز خود رسیده است.  
ارتجاع حاکم بر ایران، با حمایت امپریالیسم در لحظاتی که جنگ توسیعه طلبانه و خاندان سوز بسا عراق، ابعاد وحشتناکی یافته است، قربانیان خود را به قتلگاه می فرستد و با این عمل قساوت - آمیز از سویی می کوشد به نیروهای آزادی خخواه ایران و جهان ضرب شست نشان دهد و از این رهگذر " قدر قدرتی " خود را به اثبات رساند و از سوی دیگر از برد تئیسر خبر تکان دهند تا اعدام ها بکاهد و آن را تحت الشعاع اخبار درگیری های وحشتناک و قتل عام جوانان میهن ما در جنبه ها قرار دهد.

به دنبال صدور احکام اعدام گروهی از افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران، حکم در مورده تن از آنان به اجرا درآمد و حکومت ارتجاعی ج ۱۰ - با این عمل، دست به جنایت موحشی آلود.  
ما همها است هزاران تن از مدافعان انقلاب، زنان، مردان و نوجوانانی که تنها گناهشان مبارزه در راه آرمانهای والای مردمی است، تحت بازداشت و شکنجه های وحشیانه بسر می برند و عد های از آنان، جان خود را از دست داد ماند. محاکمات فرمایشی که با نقض کلیه موازین حقوق بین المللی، در دادگاه های در بسته، نظامی علیه عد های از افسران انقلابی و اعضای حزب توده ایران بر پا شد، رنگ خطری بود که نگرانی محافل دمکراتیک سراسر جهان را نسبت به سرنویست این افراد، پیش از پیش برانگیخت.

# عشایر و جنگ

امروز، پس از ۴۰ ماه جنگ خانمانسوز همچنان ادامه دارد، تشر جنگ جان هزاران تن از فرزندان عشایر مرز نشین را به کام خود کشیده است و دهها هزار هکتار مراتع سرسبز و میلیونها تن علوفه خاکستر شده است. دهها هزار هکتار گندم زار ناکاشته مانده است. و به جای آن زنجیر هزاران دامیون برای واردات مواد کشاورزی از کشورهای امپریالیستی و بیاعتمادی شعار جهاد تخلیه بنادر (جهاد در راه تحکیم وابستگی) راهی بنادر کشوری شدند.

صدها هزار نفر از عشایر کشور در دوران جنگ آواره شهرهای مختلف شده اند. بازمانده دام های آنان اغلب هد فاخته های دشمن

بال و پر شکسته افتاد. منطقه جنگی غرب کشور، مناطق عشایر نشین استان های کرمانشاه و ایلام و تا حدودی مناطق مورد استفاده عشایر همدان و لرستان را در بر می گیرد. زندگی نزدیک به ۳ میلیون نفر از ساکنان غرب کشور ما در این منطقه و در رأس آن ها زندگی عشایر و ایلات منطقه مانند عشایر سنجایی، قلخانی، کلبر، ترک و ترکاشوند، زوله و جمیرو ۵۰۰۰ با شروع آتش جنگ، دستخوش تحولات غیر منتظره ای شد. حدود ۴ میلیون دام از دستایی به علوفه محروم و نزدیک به یک میلیون نفر صاحبان آنان سرگردان و همراه با یک میلیون ساکنان روستاهای منطقه آواره شدند.

زندگی عشیره ای و دامداری به شکل کوچ بین بیلاق و قشلاق در اکثر نقاط ایران، شیوه تولید ابتدائی و عقب مانده ای است که هنوز هم بسا جزئی تغییرات ماحول خود را حفظ کرده است. زمستان پاکیزی این شیوه که پس از کمون اولیه به عنوان شیوه ای جدید شکل گرفت به ۳ هزار سال قبل از میلاد مسیح برمی گردد.

" پژوهشهای علمی نشان می دهد که در اکثر نقاط کشور ما زندگی اسکان یافته کشاورزی مقدم بر زندگی کوچنده اقوام دامدار آغاز شده است. اثر اقوام کوچنده در کشور ما فقط در آغاز هزاره دوم پیش از میلاد دیده می شود و ظاهراً طوسی همین هزاره است که اولین تقسیم اجتماعی کسار بین اقوام زراعت پیشه و اقوام کوچنده شبان پیشه در ایران به وجود آمده است."

" ۵۰۰ ساکنین منطقه غرب ایران بیست هزاره های نهم و هشتم قبل از میلاد در دره های کوهستانی استقرار یافته و به کشاورزی و دامداری پرداختند. در دهکده آسیا تپه سراب نزدیک کرمانشاه، قدیمی ترین خانه ها نسی که انسان در کشور ما برای سکونت خود ساخته، کهن ترین آثار زندگی زراعتی ایران کشف شده است."

" دولت کاسیان در نواحی کوهستانی لرستان در واقع حکومت امرای بزرگ دامداری توده های قبیله بود." ( کتاب ماتریالیسم تاریخی صفحه ۹۷ از انتشارات حزب توده ایران )

برای پژوهشگران آثار باستانی و کاشفان مسائل اجتماعی و تکامل انسانی، آموزنده خواهند بود اگر در بسیاری از نقاط ایران، تجسم عقب افتادگی قرون و اعصار و نمای زندگی ۵۰۰۰ سال پیش جوامع بشری را با تمام خصوصیات و ویژگی های یک جامعه عقب افتاده به چشم خود ببینند و بررسی کنند. آنچه در ۵۰۰۰ سال پیش در سرزمین ما و به ویژه در غرب کشور، شیوه تولید متری محسوب می شد، اکنون با همان خصوصیات و در آمیزش با ویژگی های نظام فئودالی و سرمایه داری به حال خود باقی مانده است. این آئینه عقب ماندگی شدید کشور ما است.

هزاران سال پیش، یک منشی بابلی که در آن عهد می زیست نوشت:

" عالم تمدن به دامنه های زاگروس خاسته می یابد." ( همانجا - ص ۱۰۴ )

اکنون نیز ساکنین این دامنه ها، در همان " تمدن " زندگی می کنند!

امید این بود که با پیروزی انقلاب بهممن، زنجیرهای این زندگی عقب مانده بگسلد و به جای خان سابق و بازاری و ریاخوار فعلی، دستاوردها و تحولات بنیادی و انقلابی در زندگی عشایر پدید آید. انتظاری عیث!

در چنین شرایطی بود که در پائیز سال ۵۹، درست هم زمان با حرکت توده های محروم و رنج کشیده این مناطق قشلاقی، آتش جنگ بین ایران و عراق زبانه کشید و شعله بر آشیانه این پرندگان



قرار گرفته یا از گرسنگی و عدم رسیدگی تلف شده اند یا به قیمت ناچیزی فروخته شده اند.

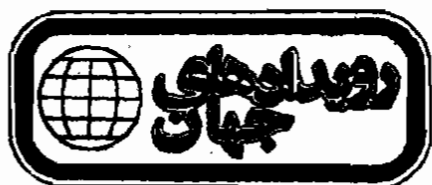
ضربه سنگینی که از این راه بر اقتصاد دام پروری کشور وارد شده است تا سالیان سال اثرات خود را حفظ خواهد کرد:

سرانجام ۱۰۰ چه تدبیری برای زندگی محنت بار عشایر ایران، و از جمله مصائبی که خود باعث آن بوده اند چاره کرده اند؟ آقای رئیس جمهور می گوید:

" عشایر وضع بسیار بدی دارند و حتی کوره راهی که جنازه شهید خود را از آن عبور دهند وجود ندارد." ( راه توده - شماره ۷۶ )

این توجه ملوکانه رئیس جمهور به عشایر، خود بی نیاز از توصیف است. حاکمیتی که تمام مساعیش، متوجه تأمین منافع زمین داران و بزرگان مالکان و جنگ افزوی توسعه طلبانه به سود آنان است، برای عشایر مصیبت زده ایران، شهید ای بیشتر، گورستان های آباد تر، و کوره راه هایی که شهید ای خود را در آنها تشییع کند، به ارمغان آورد.

در زمستان همان سال، عده قابل توجهی از دامداران روستائی و عشایر منطقه اجبارا بیشتر دام های خود را به قیمت بسیار نازل ( حدود یک دهم ارزش واقعی آن ) به واسطه ها و دلالان محلی فروختند. به این امید که بتوانند تعداد کمی از دامها را برای خود حفظ کنند و در مقابل برای تأمین علوفه بازمانده دامهای خود، جورا به قیمت چند برابر از آنها خریدند. این افزایش قیمت از یک کیلو جو، ۲۵ ریال به کیلویی ۱۰۰ ریال افزایش یافت. به این ترتیب تشر جنگ که سوزنده هستی این محرومان بسود بازداران و بازاریان " صالح " رارضق داد. امید عشایر این بود که جنگ به زودی پایان یابد و آنان بتوانند برای سالهای بعد - حداقل تعداد محدودی دام به عنوان تنها مصدر درآمد خود - را حفظ کنند. از این رودر بسیج عشایری متشکل و راهی جبهه های جنگ شدند. اما این امید به زودی نقشیر آب شد. نه جنگ و نه رنج و محنت عشایر پایان نگرفت.



### الندا: آمریکا نتوانست سیاست های ضد لبنانی را عملی سازد

نیروهای نظامی آمریکا به مداخله خود در امر داخلی لبنان ادامه می دهند تا شکست "کازن" از ناوگان ششم آمریکا، چندین روستای لبنانی واقع در شرق بیروت و نیز مواضع نیروهای سموری را زیر آتش گرفت. این گلوله بارانها در دست پس از انتقال ۱۳۰۰ تن از نیروهای نظامی مداخله گر آمریکایی به کشتی های جنگی ایمن کشور، مستقر در سواحل لبنان صورت گرفت. علاوه بر این، هواپیماهای جنگی آمریکا و اسرائیل نیز به پروازهای خود بر فراز اراضی لبنان ادامه می دهند. در نواحی مختلف بیروت درگیری های مسلحانه علی رغم اعلام آتش بس، هم چنان ادامه دارد. حزب کمونیست لبنان طوسی صدر و بیانیه های، نیروهای مسلح حزب کتائسپ (فلاتنیست) را مسئول بر هم زدن آرامش در بیروت و نقض آتش بس دانست.

روزنامه "الندا"، ارگان حزب کمونیست لبنان در شماره یکشنبه خود، خروج نیروهای مداخله گر آمریکایی از بیروت و انتقال آن بسه کشتی های جنگی را به مثابه شکست سیاست تجار و کارخانه آمریکا در لبنان ارزیابی کرد. این روزنامه نوشت:

"دولت آمریکا نتوانست، طرح های خود را که با منافع ملی لبنان مغایر است تحقق بخشد." این روزنامه همچنین نوشته است این شکست با پشتیبانی هر چه بیشتر محافل گوناگون از خواست لغو قرارداد های لبنان و اسرائیل که تحت نظارت آمریکا صورت گرفت، کامل تر می شود. روزنامه "الندا" هشدار داده است انتقال تفنگداران آمریکایی را نباید به معنی پسایان قطعی مداخله نظامی آمریکا در لبنان دانست. خطر تجار و زارت مشترک آمریکا و اسرائیل همچنان به قوت خود باقی است.

### امپریالیسم آمریکا قصد بمباران اتمی ویتنام را داشته است

در بهار سال ۱۹۵۴، امپریالیسم آمریکا جنایت فجیعی را در ویتنام تدارک دیده بود. این مطلب در اسناد بخش تاریخ ارتش آمریکا که اخیراً در ۱۷ جلد منتشر شده فاش گردیده است. این اسناد متعلق به پنتاگون و وزارت خارجه آمریکا است که سی سال تمام پنهان نگاه داشته می شده و تنها معدودی از دارکنان کاخ سفید به آنها دسترسی داشته اند. اکنون آشکار شده است که مطابق فرمان پرزیدنت آیزنهاور و کمیته "روسی اسناد ارتش آمریکا"، برنامه دقیق برای

کاربرد بمب اتمی در ویتنام با اسم رمز "جی - ۳" طرح ریزی شده بود. این اقدام از آنجا لازم آمده که واشنگتن از وضع نابسامان ارتش مستعمراتی فرانسه و پیروزی های پیکار رهایی بخش مردم ویتنام سخت نگران شده بوده است. طراحان نظامی آمریکا برای جلوگیری از شکست فرانسه و سرکوب جنبش آزادی بخش خلق ویتنام، پیشنهاد کرده بودند که از یک تا شش بمب اتمی، (یک تا سه بار نیرومندتر از بمبی که بر هیروشیما انداخته شد) در نقاط مختلف ویتنام منفجر شود.

### اعمال رانندگان کامیون در فرانسه را چه کسانی سازمان دادند؟

راه بندان های فلج کننده در شاهراه های فرانسه به پایان رسید. اکنون رفت و آمد عادی جریان دارد. در هفته پیش، صد ها کامیون سنگین، بزرگ راه های جنوب شرقی فرانسه را در منطقه شهر لیون و کوه های آلپ اشغال کردند و از حرکت هرگونه خودرویی مانع به عمل آوردند. بهانه این عمل، ظاهراً اعتصاب گمرکچیان ایتالیایی و سپس فرانسوی بود که چند صد کامیون را در دوسوی مرز متوقف کرده بود. سپس رانندگان دیگر هم به این اقدامات اعتراضی پیوستند و خواسته های خود را مطرح کردند. این خواستها مبهم و نامعین بوده ولی پشت سر آنها حسابهای روشن سیاسی قرار داشت.

شارل فیترمان، وزیر حمل و نقل فرانسه و از رهبران حزب کمونیست که همین چندی پیش مورد حملات و قبحانه سفیر آمریکا در پاریس قرار گرفت، آماج اصلی این جنبش اعتراضی ظاهرها "خود به خودی" بود. روزنامه "اومانیتیه" ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه نوشت:

"سازمان دهندگان این هرج و مرج خطرناک، خواه ناخواه به سود آن کسانی عمل می کنند که می گویند اوضاع کشور را بی ثبات نمایند."

این روزنامه می افزاید:

"رانندگان که توسط واپس گرایان فیسبد اجتماعی کامیون دار میرد بهره کشی قرار می گیرند، از این گونه اعمال، هیچ سودی نخواهند برد. مطروحات دست راستی فرانسه تلاش کردند از فلج شدن حمل و نقل و راهها و ناراضی صدها هزار فرانسوی که نمی توانستند از اتومبیل های خود استفاده کنند بهره برداری سوء به عمل آورند و حملات دد منشانهای را علیه وزیر حمل و نقل که عضو هیأت سیاسی حزب کمونیست است سازمان دهند. ارتجاع امپریالیستی می خواست جریانی، شبیه خرابکاری کامیون داران علیه دولت سالوادرا آلینده در شیلی، در فرانسه به راه بیندازد. ولی پس از آن آشکار شد که فرانسه شیلی نیست!

### گلوله باران چوپانهای پیر

"جان لمن" وزیر نیروی دریایی آمریکا، ضمن توجیه جنایات دهشتناک امپریالیسم آمریکا در سرزمین رنج کشیده لبنان اخیراً چنین گفت: "هنگامی که به یک منطقه تیراندازی نمی کنید نمی توانید تضمین کنید که اهالی غیر نظامی

کشته نشوند، نمی توانید مطمئن باشید که پیر روی تپهها مورد اصابت قرار نمی گیرد. وزیر نیروی دریایی آمریکا افزود که "با آتش توپخانه خود نیروهای مسلح را مورد حمایت قرار می دهیم". بیست و چهار ساعت پیش از این او و این برگزید دفاع گفته بود که: "هدف از گلوله باران های ما پشت هیچ گروه و یا واحد ارتش لبنان نیست". کاخ سفید هم در این مجامعت شرکت کرد و شد که این تیراندازی ها به منظور دفاع از داران دریایی آمریکا صورت می گیرد.

### والفجر

بقیه از صفحه ۱۰  
امپریالیستی - سران حاکمیت ج.ا. می نویسی علی رغم این سخنمان به نظر نمی رسد که آنها امیدوارند هر چه بیشتر آمریکا را جلب کنند. آیا میلیو دلار اسلحه و وسایل نظامی ای که سران ج به طور کم و بیش غیر مستقیم از واشنگتن دریافت می کنند، از جان میهن دوستانی که زیر دست جلادان حاکمیت قرار دارند بیشتر ارزشمند است در دهنه های زندانهای ایران، تعسار و بی شماری از زندانیان سیاسی در خطر مرگ به سر می برند. برای از بین بردن این خطره همبستگی هر چه بیشتر ما اهمیت حیاتی دارد. نجات این زندانیان برای کشور غرقه به خست ایران، نوید یک طلوع واقعی است. به کمک آن است که اوضاع تغییر می کند. همان گونه که روزبه در پیام خود آن را بیان کرد.

### کمک مالی به

### حزب توده ایران

### یک وظیفه انقلابی است!

### رفقای هوادار حزب توده ایران در

### بوخوم (آلمان فدرال)

### هزینه چاپ این شماره "راه توده" را

### تأمین کردند

رفیق مسافر ۹۰ مارک

### RAHE TUDEH

No. 82

Friday, 2 Mars 84

Address:

Winfried Schwarz  
Markgrafenstr. 13  
6000 Frankfurt 90

Prices:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	DM Italy	600	L.
France	3	Fr. U.S.A.	50 Cts.
Austria	8	Sch. Sweden	3 Skr.

